

نقش هوش هیجانی به عنوان مؤلفه‌ای میانجی در رابطه بین گرایش به تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی در درس زبان انگلیسی

فرهاد قربان دوردی نژاد¹ و فرهاد نوری زاده²

¹استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: Farhad@srttu.edu

²دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

چکیده: این پژوهش با هدف بررسی رابطه میان گرایش به تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی در درس زبان انگلیسی انجام یافت. همچنین نقش هوش هیجانی به عنوان مؤلفه‌ای میانجی در رابطه بین این دو متغیر مورد کنکاش قرار گرفت. به منظور این مطالعه همبستگی، نمونه‌ای مشتمل بر 264 دانش‌آموز (145 پسر و 119 دختر) پایه سوم متوسطه، با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، از دبیرستان‌های شهرستان مشکین‌شهر انتخاب شدند. میزان گرایش به تفکر انتقادی و هوش هیجانی آنان به ترتیب با بهره‌گیری از پرسش‌نامه گرایش به تفکر انتقادی ریکتس (ریکتس، 2003) و مقیاس هوش هیجانی تجدید نظر شده شات (آستین و همکاران، 2004) مورد سنجش قرار گرفت. از نمره امتحان زبان انگلیسی پایان سال دانش‌آموزان به عنوان مشخصه پیشرفت تحصیلی آنان در زبان انگلیسی استفاده گردید. نتایج پژوهش رابطه معناداری بین گرایش به تفکر انتقادی و ابعاد آن یعنی تعهد، بالندگی، شادکامی با میزان موفقیت دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی نشان داد. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که هوش هیجانی می‌تواند به عنوان یک عامل میانجی در رابطه بین این دو متغیر عمل کند.

واژگان کلیدی: گرایش به تفکر انتقادی، هوش هیجانی، موفقیت در یادگیری زبان انگلیسی

Role of Emotional Intelligence as a Mediating Factor in the Relationship between Critical Thinking Disposition and Language Achievement

F.Gh. Dordi Nejad¹ and F.NouriZadeh²

¹Assistant Prof. Faculty of Humanities ShahidRajaei Teacher Training Uni.

²M.A. Student of Learning English Lang. of ShahidRajaei Teacher Training Uni.

Abstract: This study was conducted to investigate the relationship between critical thinking disposition and English achievement. Furthermore, the mediating role of emotional intelligence in the relationship of these two variables examined. To do so, a sample of 264 high-school third grade students (145 males and 119 females) was selected through multi-stage random sampling procedure from the high-schools of Meshkinshahr. Their levels of critical thinking disposition and emotional intelligence have been assessed using Rickett's Critical Thinking Disposition Scale (EMI) and Modified Schutte Emotional Intelligence Scale (MSEIS). Participant's scores on their final English test were also used as the measurement of their English achievement. The results revealed a positive correlation between total critical thinking dispositions and its subscales i.e., engagement, maturity, and innovativeness with English learning achievement. The results also support the hypothesis that emotional intelligence acts as a mediator of the relationship between critical thinking disposition and English learning achievement.

Keywords: Critical thinking disposition, Emotional intelligence, English achievement

1 - مقدمه

در عصر یکمفاهیمعلمیبهسر عترو بهگسترشاساس—تونوآوری -
 هایمستمر تجربهمیش—وند،اهدافنهاپیوکل تعلیم-
 وتربیتنیز بایددس—ت-
 خوشتغییراتاساس—یگرده؛بهعبارتدیگر،روش هایسننتیو
 منفعلراگیراندر محیطآموزشیوتکیهبرپر کردنذهناز اطلاعات،
 دیگر جواب گویینبازهایتربیتینسلحاضر نیست (سیف، 1386).
 برایتربیتصحيحراگیرانبايد آنهارا آزادانهو خلاقانهونقادانهوبهبط
 ورعلمیبهاندیشهوتفکر واداش—ت. برنامه—ه-
 هایمدارسومراکزآموزشیبايدنظمفکربرابهفراگیرانمنتقلکنندوآ
 نهراوادار کندبهجایذخیرهسازیحقایعلمی،درگیرمسألهشوند
 (سلطان قراییوسلیمان نژاد، 1378).

همگام با توجه قابل ملاحظه به یادگیرنده و دستاوردهای
 یادگیری در سال های اخیر در مکان های آموزشی، آموزش
 زبان نیز دستخوش تغییراتی عمده گردیده است که در
 نتیجه این تغییرات پیشینه دانش آموزان و تفاوت های
 فردی بین آنها اهمیت زیادی یافته است (ریچارد
 وراجرز¹، 2001). در چنین محیط یادگیری که عمده
 توجهات روی یادگیرنده است، زبان آموزان نیاز دارند که
 در حین درک معانی جملات و متون فعال تر باشند و
 توانایی های رده بالای ذهنی خود مانند تفکر انتقادی را
 تقویت نمایند تا عملکرد بهتری به نمایش بگذارند (لیاو²،
 2007). تفکر انتقادی³ فرآیندیشناختیاستکهفراگیردرطیانبنا
 بررسیععل،تجزیهوتحلیلاطلاعاتدر دسترسو نتیجه-
 گیریازانهاپهقضاوتوتصمیمگیریمی—ر—دازد.
 بهعبارتدیگریکفرآیندقض—وتیخودتنظیم
 وهدفمنداستکهمنجر به حل مسألهوتصمیم گیری
 مناسبی شود (فاسیون⁴، 1990).

از طرف دیگر تفکر انتقادی بدون تمایل و گرایش کافی به
 توسعه و کاربرد این توانایی نمی تواند به وقوع پیوندد. این
 توانایی رده بالای ذهنی نیازمند تعدادی امیال و گرایش
 خاص خود است (انیس⁵، 1996).
 تفکر انتقادیاس—تفادهاز مهارت هاواس—تراتی-
 هایاستکهاحتمالداست یا بیبهنتایجدل خواهومطلوبرا می-
 افزایشد (هالپرن⁶، 1996). مه—ارت-
 هایتفکر انتقادیبهخوددیخود،نوعیاز مهارت هایشناختیاست .
 یکمتفکر منتقدای—ده آل،نهتنها بایدوا—داینمهارت-
 هاباشد، بلکهاطلاقعنوانمتفکر منتقدایده-
 آلبهویبدو ندر نظر گرفترویکرد کلیاودر مقابلزندگی،مسائل،سو

آلاتومشکلالتخاص غیرممکناست .درحقیقت،بدونگرایش
 مثبتنس—بتبیهتفکرانتقادی،ایننوعتفکررخنداده
 استویازیرسطحاس—تانداردنمودمی-
 کندوبدینجهت،گرایشبهتفکرانتقادی⁶،بخشیحیاتیازتفکرانتق
 ادیاست (پرفتو⁷، 2003). بسیاری از مطالعات صورت
 گرفته حاکی از وجود ارتباط تنگاتنگ بین بعد مهارتی و
 گرایشی تفکر انتقادی است (فاسیون، فاسیون وجیانکارلو،
 1996؛ فاسیون و فاسیون، 1997؛ جونز،راتلیفس و
 تیبتس؛ 1994؛ نقل شده در ریکتس و راد، 2004).
 فاسیون (2000) گرایش به تفکر انتقادی را به عنوان یک
 انگیزش درونی عادت گونه و منعطف در پاسخ و واکنش به
 افراد، رخدادها و شرایط تعریف می کند. طبق تعریفی که
 انجمن فلسفه آمریکا⁸ (1990) ارائه نموده است، گرایش به
 تفکر انتقادی عبارت است از عادات ذهنی درونی و
 شخصی که در امر تصمیم گیری های منطقی در مواجهه با
 مشکلات خاص در زندگی شخصی و کاری، کمک شایانی
 می نماید.

در سالیان اخیر تفکر انتقادی در باب دستاوردهای
 تحصیلی دانش آموزان توجهات گسترده ای را به خود جلب
 نموده و نتایج حاصله از تعداد کثیری از مطالعات آموزشی
 از اهمیت بی بدیل تفکر رده بالا و تأثیر مثبت تفکر
 انتقادی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان در امر زبان
 آموزی حکایت دارد (هاشمی وغنی زاده، 2012؛ زارع
 وهمکاران، 2013؛ بلوری و نقی پور، 2013). در واقع این-
 گونه می توان برداشت کرد که تفکر رده بالا با تأثیر مثبتی
 که روی مهارت های رده بالای یادگیری می گذارد، مسیر را
 به سمت نیل به سطوح بالاتری از مهارت های زبانی هموار
 می سازد (زنر⁹، 1996؛ نقل شده در لیاو، 2007).

زبان آموزان با به کارگیری زبان در برقراری ارتباط است که
 مهارت های زبانی لازم را کسب می نمایند. بنابراین برای
 ابراز عقاید و نظرات خود و همچنین پاسداری از این عقاید
 نیاز به تفکر خلاقانه و منتقدانه خواهند داشت (کابیلان¹⁰،
 نقل شده در فهیم و سعی پور، 2011). هالورسون¹¹
 (2005) اظهار می دارد که توجه به تفکر انتقادی زبان
 آموزان در کلاس درس، فعالیت های یادگیری را جالب تر،
 جذاب تر و معنی دار تر کرده است و فضای کلاسی پویا و
 کارآمد ایجاد می نماید.

در کشور ما مطالعات نسبتاً زیادی در بررسی نقش تفکر
 انتقادی در آموزش زبان انگلیسی صورت گرفته است.

گروه دیگر به عنوان گروه کنترل مورد در نظر گرفته شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، این گونه نتیجه‌گیری شد که تدریس راهبردهای تفکر انتقادی به دانش‌آموزان تأثیر به‌سزایی در توانایی صحبت کردن آنان دارد.

سودمند و موسقی (2014) رابطه بین تفکر انتقادی، کاربرد راهبردهای یادگیری و موفقیت در یادگیری زبان انگلیسی را در بین 76 نفر از دانشجویان رشته زبان انگلیسی مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های آنان رابطه تنگاتنگی بین سطح تفکر انتقادی با میزان کاربرد راهبردهای یادگیری و موفقیت در یادگیری زبان انگلیسی نشان داد. با بررسی دقیق مطالب ذکر شده و مطالعاتی که در آنان نقش تفکر انتقادی در امر یادگیری زبان انگلیسی مورد بحث قرار داده شده، این نکته شایان ذکر است که تقویت و پروراندن مهارت تفکر انتقادی دانش‌آموزان با ایجاد محیط و زمینه‌ای مناسب جهت ایجاد گرایش و تمایل به این توانایی عقلانی، می‌تواند یکی از اساسی‌ترین وظایف معلمان در نظر گرفته شود. به نظر آلستون¹² (2001) هم میزان گرایش به تفکر انتقادی و هم عواملی که هدایت‌آموزان را از تفکر انتقادی موفق باز می‌دارد، ریشه در محیط یادگیری دارند و از فعالیت‌های زندگی روزمره نشأت می‌گیرند. بنابراین بافت زبانی که دانش‌آموزان خود را در آن می‌یابند، یکی از مهمترین و حیاتی‌ترین شاخصه‌ها در تقویت یا سرکوبی گرایش به تفکر انتقادی خواهد بود.

ایجاد فضای کلاسی صمیمی، دوستانه، عاری از اضطراب و ترس می‌تواند دانش‌آموزان را به سمت تفکر انتقادی سوق داده و کارایی آنان را بالا ببرد. برای نیل به این هدف، نیاز داریم که توانایی‌ها و پتانسیل‌های روانی و حسی دانش‌آموزان از جمله هوش هیجانی، را وارد عرصه کنیم. هوش هیجانی¹³ نوعی پردازش اطلاعات هیجانی است که ارزیابی دقیق هیجانات خود و دیگران، شناسایی و ابراز صحیح هیجانات و عواطف و همچنین تنظیم سازگاران آنها را به نحوی که به بهبود وضعیت زندگی منجر شود در برمی‌گیرد (سالوی و مایر¹⁴، 1997).

هوش هیجانی، به عنوان مؤلفه‌ای روان‌شناختی، در سال‌های اخیر توجهات ویژه‌ای را در زمینه‌های مختلف به خود معطوف کرده است. یادگیری زبان انگلیسی یکی از زمینه‌هایی است که پژوهشگران معتقدند، هوش هیجانی می‌تواند تأثیر مثبتی در روند آن داشته باشد (پیشقدم، 2009؛ غنی‌زاده و معافیان، 2010؛ محمدی، 2012؛

بسیاری از این تحقیقات، نقش و رابطه این توانایی رده بالای ذهنی را با جنبه‌های مختلف زبان آموزی از جمله مهارت‌های زبانی، راهبردهای یادگیری زبان و همچنین عوامل روانی دخیل در امر زبان آموزی مورد کنکاش قرار داده‌اند.

برای مثال، فهیم و کمیجانی (2010) رابطه بین تفکر انتقادی، یادگیری لغات انگلیسی و راهبردهای یادگیری این لغات را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاصله، حاکی از این بود که بین این متغیرها رابطه مستقیم وجود دارد.

هاشمی و ذبیحی (2012) در یک بررسی روی 96 زبان‌آموز ایرانی، رابطه بین تفکر انتقادی و توانش زبانی دانش‌آموزان را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق آنها حاکی از این بود که مهارت تفکر انتقادی بالا در دانش‌آموزان، توانش زبانی سطح بالا نیز برای آنان به دنبال خواهد داشت. در پژوهشی دیگر در این زمینه، مالمیر و سورچه (2012) تأثیر تفکر انتقادی را بر مهارت صحبت کردن دانش‌آموزان به زبان انگلیسی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داد، آن دسته از دانش‌آموزانی که راهبردهای تفکر انتقادی برایشان تدریس گردید، از لحاظ مهارت صحبت کردن و پاسخ به سوالات شفاهی مصاحبه عملکرد بهتری در مقایسه با سایر دانش‌آموزان شرکت کننده در این پژوهش از خود به جای گذاشتند. برخلاف مطالعات قبل، زارعی و حق‌گو (2012) در تحقیقی که با شرکت 150 نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد صورت پذیرفت، رابطه بین تفکر انتقادی و میزان دانش دستور زبان و دانش لغوی این دانشجویان را مورد مطالعه قرار دادند. در این پژوهش آنها هیچ رابطه‌ای بین سطح مهارت تفکر انتقادی دانشجویان و میزان دانش دستوری و لغوی دانشجویان به دست نیاوردند. در تحقیقی که با شرکت 84 نفر از دانشجویان رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی صورت گرفت، بلوری ونقی پور (2013) به این نتیجه دست یافتند که هرچه مهارت تفکر انتقادی دانشجویان بیشتر باشد، عملکرد آنان در آزمون‌های ترجمه نیز بهتر خواهد بود.

در همین راستا، اخیراً سنوی و طریقت (2014) نیز رابطه بین تفکر انتقادی و مهارت صحبت کردن دانش‌آموزان به زبان انگلیسی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. برای نیل به این هدف دو گروه از دانش‌آموزان دختر انتخاب گردید که برای یکی از آنان راهبردهای تفکر انتقادی تدریس شد و

انگلیسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی صورت پذیرفت، مطلب زاده (2009) رابطه تنگاتنگی بین این متغیرها به دست آورد. براساس یافته‌های این بررسی، او اذعان کرد که هوش هیجانی می‌تواند نقش حیاتی و به‌سزایی در تقویت توانایی زبانی دانش‌آموزان مخصوصاً در حیطه درک مطلب و دستور زبان ایفا نماید.

بداخشان (2010) در تحقیقی که با شرکت 177 نفر از دانشجویان صورت گرفت، رابطه بین هوش هیجانی و مهارت شنیداری زبان آموزان را مورد مطالعه قرار داد. یافته‌های این بررسی حاکی از آن بود که رابطه مستقیمی بین متغیرهای این پژوهش وجود دارد.

زارع‌زاده (2013) نیز در تلاش برای یافتن تأثیر هوش هیجانی در امر یادگیری زبان انگلیسی، تحقیقی با شرکت 330 نفر دانش‌آموز انجام داد که در آن همبستگی بین هوش هیجانی، و مهارت‌های چهارگانه زبانی مورد سنجش قرار گرفت و رابطه مستقیم بین این دو متغیر به‌دست آمد.

اخیراً در تحقیق مشابهی دیگر، رکنی، حمیدی و گرگانی (2014) رابطه بین هوش هیجانی و دست یافت دانشجویان در درس زبان انگلیسی را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق که با شرکت 115 دانشجو از دانشگاه‌های آزاد مرکز همدان و کرمانشاه انجام یافت، نتایج از وجود رابطه تنگاتنگ بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی دانشجویان در زبان انگلیسی حکایت داشت.

اسفندیاری و اکرادی (2014) نیز رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد دانش‌آموزان در آزمون کلوز تست زبان انگلیسی را مورد بررسی قرار دادند. تحقیقات آنان نشان داد که هرچه سطح هوش هیجانی دانش‌آموزان بالاتر باشد، آنها نمرات بهتری در آزمون کلوز تست کسب می‌کنند.

با در نظر گرفتن مباحث نظری که در باب تفکر انتقادی و هوش هیجانی و نقش مؤثر این متغیرها در یادگیری زبان انگلیسی به میان آمد، می‌توان رابطه‌ای محتمل بین تفکر انتقادی و هوش هیجانی در محیط یادگیری متصور شد. از لحاظ نظری یادگیری مؤثر و کارآمد در نتیجه تعامل و کنش متقابل مؤلفه‌های عاطفی و عقلانی به‌دست می‌آید. میر⁹ (1986)، پاول²⁰ (1987) و بروکفیلد²¹ (1987) نیز به عنوان اولین کسانی که در این زمینه نظریاتی را مطرح

حمیدی و گرگانی، 2014؛ جهاندار و همکاران، 2012). ازلم¹⁵ (2006) توانایی تشخیص، درک و کنترل و تنظیم احساسات و عواطف را مهمترین عامل در یادگیری زبان تلقی می‌کند. پتریدز و فارنهام¹⁶ (2004) نیز وجود رابطه بین هوش هیجانی و یادگیری زبان انگلیسی را با دو فرآیند توجیه می‌کنند. اولاً، هوش هیجانی با کنترل و تعدیل انواع مختلف اضطراب، استرس و مشکلات عاطفی، تأثیر به‌سزایی در ایجاد یک وضعیت روانی پایدار در حین امتحان دادن می‌گذارد. ثانیاً، هوش هیجانی در فرآیند تدریس و یادگیری آن دسته از دروس که مسائل و مؤلفه‌های روانی و عاطفی دانش‌آموزان بیشتر در آنها دخیل هستند، مانند درس زبان انگلیسی، اثرات ویژه‌ای برجای می‌نهد.

اخیراً مطالعه هوش هیجانی در رابطه با یادگیری زبان انگلیسی نیز توجهات زیادی را به خود جلب کرده و مطالعات گسترده‌ای در این حیطه انجام گرفته است.

در ترکیه کارامان¹⁷ (2012) رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد دانش‌آموزان را در امتحان زبان انگلیسی مورد بررسی قرار داده است. در این مطالعه که با شرکت 64 نفر از دانشجویان دانشکده‌های زبان‌های خارجه و کامپیوتر انجام گرفت، کارامان به این نتیجه رسید که دانش‌آموزانی که از سطح هوش هیجانی بالاتری برخوردار هستند، موفقیت بیشتری در یادگیری زبان انگلیسی از خود نشان می‌دهند.

در بررسی دیگری در همین راستا، عمر فاروق¹⁸ (2014) در مرکز زبان انگلیسی دانشگاه طائف رابطه بین هوش هیجانی و توانش زبانی دانشجویان را بین 200 نفر از دانشجویان دختر و پسر این مرکز مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیقات آنها نشان داد که رابطه تنگاتنگی بین هوش هیجانی دانشجویان و توانش زبانی آنان وجود دارد.

در ایران، پیشقدم (2009) رابطه بین هوش هیجانی و میزان پیشرفت تحصیلی در درس زبان انگلیسی را بین 508 نفر از دانشجویان مورد بررسی قرار دادند. نتایج یافته‌ها حاکی از آن بود که آن دسته دانشجویانی که سطح هوش هیجانی بالاتری داشتند، عملکرد بهتری در بخش‌های مختلف آزمون زبان انگلیسی اعم از بخش لغات، درک مطلب، دستور زبان و نگارش از خود نشان دادند. در تحقیقی که با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و توانایی درک مطلب و همچنین دانش دستور زبان

یادگیری به ورطه فراموشی سپرده شده و توجه چندانی به آنها نمی‌شود.

با استناد به آنچه که تاکنون مورد بحث قرار گرفت، و همچنین با بهره‌گیری از نتایج مطالعات مختلف در این زمینه، تداوم بررسی‌ها و تحقیقات امری ضروری و بایسته به نظر می‌رسد. علی‌رغم تمامی مطالعات انجام یافته در بررسی نقش تفکر انتقادی و هوش هیجانی در فرآیند یادگیری زبان انگلیسی، مطالعات صورت گرفته در رابطه با وجود هرگونه ارتباط بین تفکر انتقادی و هوش هیجانی نتایج مختلف دربرداشته‌اند.

از آن جایی که تاکنون هیچ تحقیقی گزارش نشده که در آن رابطه بین گرایش به تفکر انتقادی و یادگیری زبان انگلیسی با میانجی‌گری هوش هیجانی مورد بررسی قرار گیرد، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین گرایش به تفکر انتقادی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی و نقش تعیین‌کننده هوش هیجانی در این رابطه، انجام گردیده است. در این تحقیق سعی بر آن شد تا به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- آیا رابطه‌ای بین گرایش به تفکر انتقادی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی وجود دارد؟
- آیا مؤلفه هوش هیجانی به عنوان یک متغیر میانجی در رابطه بین گرایش به تفکر انتقادی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی عمل می‌نماید؟

2- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان سال سوم متوسطه رشته‌های مختلف شهرستان مشکین‌شهر تشکیل می‌دهند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بهره گرفته شده است و تعداد 264 نفر (119 دختر و 145 پسر) به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. ابزارهای مورد استفاده مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

کرده‌اند، از پیوستگی و تأثیر دو جانبه و متقابل تفکر و احساس سخن به میان آورده و آنها را دو مؤلفه جدایی‌ناپذیر تلقی کرده‌اند (نقل شده در مون^{۲۲}، 2008). تحقیقاتی نیز وجود دارد که از رابطه متقابل این تفکر انتقادی و هوش هیجانی در محیط‌های مختلف یادگیری حکایتی‌کنند و بنابراین وجود هرگونه رابطه را محتمل‌تر خواهند کرد. برای مثال استدمن و آندرنو (2007) در تحقیقی که بروی دانشجویان رشته مدیریت صورت پذیرفت، رابطه‌ای متقابل بین گرایش به تفکر انتقادی و هوش هیجانی به‌دست آوردند. غنی‌زاده و معافیان (2010) نیز، در مطالعات خود به وجود این رابطه اذعان داشتند.

مون (2008) نیز در مطالعه‌ای با قرار دادن تفکر انتقادی در چهارچوب هوش هیجانی، به این نتیجه دست یافت که هیجانات و عواطف بر فرآیند تفکر انتقادی تأثیر گذاشته و متقابلاً از آن تأثیر می‌پذیرند.

با توجه به نقش بی‌بدیل مهارت تفکر انتقادی و گرایش دانش‌آموزان به این توانایی رده بالای ذهنی، در امر یادگیری زبان انگلیسی، تقویت گرایش و تمایل دانش‌آموزان به تفکر نقادانه و همچنین مؤلفه‌هایی از جمله هوش هیجانی که در نیل به این هدف مؤثرند، باید در صدر برنامه‌های آموزشی قرار گیرند. علی‌رغم تمامی تلاش‌ها در زمینه بهبود وضع آموزش زبان انگلیسی در ایران، بسیاری از دانش‌آموزان در رابطه با مهارت‌های زبانی مشکلات عدیده‌ای دارند (فهیم و سعی پور، 2011).

اعتقاد بر این است که این مشکلات ریشه در نظام آموزشی کشور دارد که بیشتر معلم‌محور بوده و نظرات و ایده‌های دانش‌آموزان کمتر مورد عنایت قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر معلمان با حفظ همان نگرش‌های سنتی و قدیمی، به جای اینکه دانش‌آموزان را به سمت روش‌های صحیح تفکر هدایت کنند و روش صحیح فکر کردن را به آنان بیاموزند، فقط بدون هیچ‌گونه انعطافی، آنان را در معرض مطالب ثابت کتب درسی قرار می‌دهند. در نتیجه دانش‌آموزان آن‌گونه که بایسته و شایسته است، از نظر توانایی تفکر و استدلال در سطح قابل قبولی رشد نمی‌کنند. از سوی دیگر در این‌گونه محیط‌های یادگیری که بر محور معلم پایه‌ریزی شده، تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان از جمله مؤلفه‌های عاطفی و عقلانی دخیل در امر

الف: پرسش‌نامه گرایش به تفکر انتقادی ریکتس²³ (2003)

برای سنجش میزان گرایش دانش‌آموزان به تفکر انتقادی از پرسش‌نامه گرایش به تفکر انتقادی ریکتس استفاده شد که توسط پاک‌مهر و همکاران (2013) به فارسی ترجمه شده بود. این پرسش‌نامه که شامل 33 سؤال است، سه زیر مجموعه را در برمی‌گیرد که عبارتند از: تعهد، بالندگی و شادکامی. آزمودنی‌ها به سوالات این مقیاس بر مبنای رتبه‌بندی پنج درجه‌ای لیکرت (1=کاملاً مخالفم و 5=کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهند. پاک‌مهر و همکاران ضریب پایایی را برای کل پرسش‌نامه 68 و برای ابعاد گرایش به تفکر انتقادی را به ترتیب 72، 76 و 64 به دست آوردند. در تحقیق حاضر ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه 80 و برای زیرمجموعه‌های گرایش به تفکر انتقادی به ترتیب 63، 74 و 60 به دست آمد. سه تن از استادان مجرب در زمینه روش تحقیق و آزمون سازی، روایی این پرسش‌نامه را تأیید کردند.

ب: پرسش‌نامه هوش هیجانی تجدیدی نظر شده شات و همکاران (آستین و همکاران²⁴، 2004)

برای اندازه‌گیری میزان هوش هیجانی دانش‌آموزان پرسش‌نامه هوش هیجانی تجدید نظر شده شات و همکاران مورد استفاده قرار گرفت که توسط آستین و همکارانش (2004) طراحی گردیده است. این پرسش‌نامه شامل 41 سؤال است که از میان آنان 21 سؤال دارای پاسخ‌های معکوس هستند. آزمودنی‌ها به سوالات این مقیاس بر مبنای رتبه‌بندی پنج درجه‌ای لیکرت (1=کاملاً مخالفم و 5=کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهند. این ابزار سنجش، دارای سه زیرمجموعه است که عبارتند از: تنظیم احساسات (هیجانات)، به‌کار بردن هیجانات و ارزیابی هیجانات. بخشی‌پور و همکارانش (2009) این پرسش‌نامه را اعتبار یابی و به فارسی ترجمه کرده‌اند و ضریب پایایی 84 را برای کل پرسش‌نامه به دست آوردند. در پژوهش پیش روی، ضریب پایایی با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ 86 محاسبه گردید. روایی این مقیاس نیز توسط سه تن از استادان مجرب در زمینه تحقیق و آزمون‌سازی مورد تأیید قرار گرفت.

ج: امتحان نهایی پایان سال زبان انگلیسی

نمرات دانش‌آموزان در امتحان نهایی پایان سال سوم متوسطه، به عنوان معیار موفقیت تحصیلی آنان در درس زبان انگلیسی مورد نظر قرار گرفت. این نمرات تا کنون توسط بسیاری از پژوهشگران سنجهای مناسب برای ارزیابی میزان موفقیت دانش‌آموزان در یادگیری زبان انگلیسی معرفی گردیده است (چستین²⁵، 1975؛ هورویتز و کوپ²⁶، 1991؛ گلیکسمن و پادریک²⁷، 1982؛ نقل شده در چن²⁸، 2007).

3- بحث و نتیجه‌گیری

آمار توصیفی مربوط به سطح گرایش به تفکر انتقادی، هوش هیجانی در جدول 1، ارائه گردیده است

جدول 1- آمار توصیفی سطح گرایش به تفکر انتقادی و هوش هیجانی

انحراف معیار استاندارد (SD)	میانگین (M)	دامنه واقعی	دامنه ممکن	گرایش به تفکر انتقادی
16/079	116/95	65-153	23-165	تفکر انتقادی
6/820	46/93	25-64	13-65	تعهد
5/38	29/49	11-43	9-45	بالندگی
6/619	40/48	20-55	11-55	شادکامی
20/96	119/33	63-181	41-205	هوش هیجانی

❖ N=264

همان‌گونه که در جدول فوق نشان داده شده است، دامنه نمرات گرایش به تفکر انتقادی از 65 که پایین‌ترین میزان گرایش به تفکر انتقادی را بین دانش‌آموزان شرکت کننده در این تحقیق را نشان می‌دهد تا 153 که نشان دهنده بالاترین سطح این گرایش است. همچنین میانگین نمرات به دست آمده از میزان گرایش دانش‌آموزان به تفکر انتقادی نیز حاکی از آن است که شرکت کنندگان سطح نسبتاً بالایی از گرایش به تفکر منتقدانه را از خود به معرض نمایش گذاشته‌اند. انحراف معیار نیز (SD=16.07) از تفاوت و تغییرات نسبتاً زیاد سطح گرایش به تفکر انتقادی بین دانش‌آموزان حکایت دارد. آمار توصیفی مربوط به ابعاد سه‌گانه گرایش به تفکر انتقادی (تعهد، بالندگی و شادکامی) نیز به همین ترتیب در این جدول گنجانده شده است. میانگین نمرات به دست آمده برای تمامی ابعاد از تعهد (M=47) گرفته تا بالندگی

حاکمی از آن بود که بین دو متغیر مذکور رابطه معناداری وجود دارد ($r=506, p<01$). همچنین براساس نتایج حاصله، ضریب همبستگی بین متغیرها رابطه مثبت و معناداری بین زیرمجموعه‌های گرایش به تفکر انتقادی یعنی تعهد ($r=446, p<01$), شادکامی ($r=469, p<01$) و بالندگی ($r=329, p<01$), با دست یافت دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی نشان داد. این یافته‌ها بدان معناست که آن دسته از دانش‌آموزانی که گرایش و شوق بیشتری برای تفکر انتقادی از خود نشان می‌دهند بیشتر به این توانایی رده بالای ذهنی دست یافته و نتایج دل-خواه و مطلوبی را در زمینه‌های مختلف از جمله یادگیری زبان انگلیسی کسب خواهند نمود.

جدول 3- ضرایب همبستگی گرایش به تفکر انتقادی و زیر مجموعه‌های آن با دست یافت زبان انگلیسی دانش‌آموزان

ضرایب همبستگی				
متغیرها				
دست یافت زبان انگلیسی	1			
تعهد	**0/446	1		
بالندگی	0/329	.432/	1	
شادکامی	0/469	0/688	0/431	1
گرایش به تفکر انتقادی	/506	0/883	0/721	0/862

* $P<0.05$, ** $P<0.01$

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان این‌گونه برداشت کرد که میزان انگیزه و تمایل دانش‌آموزان به تفکر انتقادی، یکی از فاکتورهای روان‌شناختی مؤثر در میزان موفقیت دانش‌آموزان در یادگیری مهارت‌های زبانی است. در واقع گرایش دانش‌آموزان به تفکر انتقادی، احتمال کاربرد این توانایی رده بالای ذهنی را در یادگیری مهارت‌های زبانی افزایش می‌دهد.

یافته‌ها در این بخش، با بسیاری از مطالعات پیشین که رابطه معناداری بین تفکر انتقادی و یادگیری زبان انگلیسی به دست آورده‌اند و نقش مؤثری برای تفکر انتقادی در زمینه آموزش زبان قابل گردیده‌اند هم‌خوانی دارد. پژوهش انجام یافته توسط فهیم و کمیجانی (2010) که در آن رابطه بین تفکر انتقادی، یادگیری لغات انگلیسی و راهبردهای یادگیری این لغات را مورد کنکاش قرار گرفت، با نتایج این تحقیق هم‌خوانی دارد. نتایج

($M=29.49$) و شادکامی ($M=40.48$) نشان دهنده این است که دانش‌آموزان شرکت کننده در این پژوهش، از نقطه نظر ابعاد گرایش به تفکر انتقادی در سطح متوسطی قرار دارند.

علاوه بر آن آمار توصیفی مربوط به سطح هوش هیجانی دانش‌آموزان نیز در این جدول نشان داده شده است. براساس داده‌های جدول، دامنه نمرات سطح هوش هیجانی از 63 که نشان دهنده پایین‌ترین سطح هوش هیجانی بین دانش‌آموزان تا 181 که نشان دهنده بالاترین میزان هوش هیجانی است. از طرف دیگر میانگین نمرات سطح هوش هیجانی دانش‌آموزان نیز ($M=119.33$) نشان دهنده میزان نسبتاً خوبی از هوش هیجانی در بین این شرکت کنندگان است. جدول 2، نیز آمار توصیفی مربوط به نمرات زبان انگلیسی دانش‌آموزان با تفکیک جنسیت (پسر و دختر) نشان می‌دهد.

جدول 2- نمرات دانش‌آموزان در آزمون نهایی زبان انگلیسی

انحراف معیار (SD)	میانگین (M)	دامنه نمرات	شرکت کنندگان ($N=264$)	نمرات زبان انگلیسی
3/146	16/02	7-20	145	پسر (مذکر)
3/00	16/26	9-20	119	دختر (مؤنث)
3/07	16/12	7-20	264	نمره کل

براساس داده‌های جدول فوق، نمرات دانش‌آموزان دختر شرکت کننده در این پژوهش بین 9 و 20 و نمرات دانش‌آموزان پسر بین 7 و 20 است. به عبارتی دیگر، بین دانش‌آموزان دختر نمره 9 و بین دانش‌آموزان پسر نمره 7 کمترین نمره کسب شده محسوب می‌شود. همچنین در هر دو گروه از دانش‌آموزان نمره 20 بهترین و بالاترین نمره به حساب می‌آید. با توجه به میانگین نمرات این‌گونه به نظر می‌رسد که دانش‌آموزان دختر با میانگین 16/26 نسبت به دانش‌آموزان پسر با میانگین 16/12 عملکرد نسبتاً بهتری داشته‌اند.

برای یافتن پاسخ به سؤال اول این پژوهش، روش آماری همبستگی پیرسون مورد استفاده قرار گرفت و ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین گرایش به تفکر انتقادی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی محاسبه گردید. نتایج ارائه شده در جدول 3،

حاصله از تحقیق آنها حاکی از این بود که بین متغیرهای مذکور رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های هاشمی و ذبیحی (2012) که در یک بررسی، رابطه معناداری بین تفکر انتقادی و توانش زبانی دانش-آموزان به دست آوردند، نیز با نتایج این تحقیق هم‌خوانی دارد.

نتایج به‌دست آمده از مطالعات مالمر و سورچی (2012) که در آن تأثیر تفکر انتقادی بر مهارت صحبت کردن دانش‌آموزان به زبان انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت، نیز یافته‌های این تحقیق را تأیید می‌کند. آنها در بررسی-هایشان به این نتیجه رسیدند که آن دسته از دانش-آموزانی که راهبردهای تفکر انتقادی برایشان تدریس گردیده، از لحاظ مهارت صحبت کردن و پاسخ به سوالات شفاهی مصاحبه عملکرد بهتری در مقایسه با سایر دانش-آموزان شرکت کننده در این پژوهش از خود به جای گذاشتند. در همین راستا، بلوری و نقی پور (2013) به این نتیجه دست یافتند که هرچه مهارت تفکر انتقادی دانشجویان بیشتر باشد، عملکرد آنان در آزمون‌های ترجمه نیز بهتر خواهد بود.

نتایج دو تحقیقی که اخیراً صورت پذیرفته نیز یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید کرد و با آنها هم‌خوانی دارد. سنوی و طریقت (2014) رابطه بین تفکر انتقادی و مهارت صحبت کردن دانش‌آموزان به زبان انگلیسی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. بر اساس یافته‌های آنان، تدریس راهبردهای تفکر انتقادی به دانش‌آموزان تأثیر به‌سزایی در توانایی صحبت کردن آنان دارد. سودمند و موسق (2014) نیز در بررسی رابطه بین تفکر انتقادی، کاربرد راهبردهای یادگیری و دست یافت زبان انگلیسی معناداری بین تفکر انتقادی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در زبان انگلیسی نشان داد.

از سوی دیگر یافته‌های پژوهشی که توسط زارعی و حق-گو (2012) روی 150 نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد صورت پذیرفت، خلاف نتایج این تحقیق بود و با آنها هم-خوانی ندارد. زارعی و حق‌گو رابطه بین تفکر انتقادی و میزان دانش دستور زبان و دانش لغوی این دانشجویان را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج بررسی‌های آنان حاکی از آن بود که رابطه معناداری بین این متغیرها وجود ندارد. برای پاسخ به سؤال دوم این مطالعه تحقیقاتی و بررسی نقش تعیین کننده هوش هیجانی در رابطه بین گرایش به

تفکر انتقادی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی، از تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده گردید. همان‌گونه که در جدول 4 نشان داده شده است، مؤلفه گرایش به تفکر انتقادی در گام اول وارد تحلیل شد و 25/6% تغییرات در نمرات دانش‌آموزان در زبان انگلیسی به وجود این متغیر نسبت داده شد. بعد از وارد کردن مؤلفه هوش هیجانی در فرآیند تحلیل در مرحله دوم، کل تغییرات ایجاد شده در نمرات دانش‌آموزان به 33/4% (F = 65.52, p < 0.01, 2.261) افزایش یافت. به عبارت دیگر، همان‌طوری که در جدول مشاهده می‌شود، مؤلفه هوش هیجانی با تغییرات R² به اندازه 0.08 و تغییرات F به میزان 30/7 حدود 12/2% از تغییرات نمرات دانش‌آموزان را توضیح می‌دهد. در آخرین مرحله از این تحلیل هر دو مؤلفه گرایش به تفکر انتقادی (beta = 41, p < 0.01) و هوش هیجانی (beta = 30, p < 0.01) معنادار باقی ماندند. این بدان معناست که هوش هیجانی می‌تواند به عنوان یک عامل تعیین کننده در رابطه بین دو متغیر دیگر این تحقیق نقش به‌سزایی ایفا نماید.

جدول 4- رگرسیون سلسله‌مراتبی گرایش به تفکر انتقادی و هوش هیجانی

متغیر پیش‌بینی کننده	خلاصه مدل			Coefficients		
	B	t	Sig	B	تغییرات یادگاری	سطح معنی‌داری
ثابت	5/266	4/55	P<01	0/506	4/55	0/000
گرایش به تفکر انتقادی	0/093	9/49	0/000	0/411	7/716	0/000
هوش هیجانی				0/295	5/543	0/000
R	0/08			0/256		
R تعدیل شده	0/253			0/122		
تغییرات F	30/72			65/52		
سطح معناداری	p>05			P<01		

*P<0.05 , **P< 0.01 , N=264

نبود شواهد کافی و مطالعات قبلی در این زمینه کار استنباط و تفسیر نتایج به‌دست آمده در این بخش را بسیار دشوار کرد. البته می‌توان فرض را بر این گذاشت که یافته‌های مطالعاتی که در آنها سخن از رابطه متقابل بین

همچنین نتایج به‌دست آمده از تحقیق اسفندیاری و اکرادی (2014) نیز که در آن رابطه مثبت و معناداری بین هوش هیجانی و عملکرد دانش‌آموزان در آزمون کلوز تست زبان انگلیسی به‌دست آمد، هم‌سو با یافته‌های این تحقیق می‌تواند محسوب گردد. در واقع لازم به ذکر است که تفکر انتقادی در فرآیند آموزش و یادگیری زبان انگلیسی نیازمند محیطی آرام، بی‌دغدغه، عاری از اضطراب و دوستانه و صمیمی است. یکی از مهمترین عناصری که در ایجاد این‌گونه فضای یادگیری می‌تواند نقش عمده‌ای ایفا کند، هوش هیجانی دانش‌آموزان است. به عبارت ساده‌تر، دانش‌آموزانی که سطح هوش هیجانی بالاتری دارند، با تکیه بر این پتانسیل روانی و حسی، می‌توانند فضای کلاسی را فعال‌تر، منعطف‌تر و صمیمی‌تر کرده و زمینه را برای گرایش و میل هر چه بیشتر به تفکر انتقادی فراهم سازند.

علاوه بر آن، بررسی پیشینه تحقیقات در مورد نقش تفکر انتقادی و هوش هیجانی در امر یادگیری زبان حاکی از آن بود که تا حد زیادی رابطه بین این متغیرها با فرآیند یادگیری و آموزش زبان، حداقل از لحاظ نظری اثبات شده است. بنابراین، زمانی که سطح بالای تفکر انتقادی و هوش هیجانی، احتمال موفقیت در یادگیری زبان انگلیسی را ارتقا می‌بخشد و بالا می‌برد، این فرض معقول به نظر می‌رسد که حضور هم‌زمان این دو متغیر منجر به تأثیر دو سویه گردیده و نتایج مطلوبی را در فرآیند یادگیری به بار آورد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

عمده‌ترین محدودیت‌ها در مسیر انجام این پژوهش مربوط به جامعه آماری و ابزارهای مورد استفاده است. در واقع نتایج حاصل از تحلیل داده‌های به‌دست آمده از نمونه انتخاب شده برای این تحقیق، ممکن است قابل تعمیم به کل دانش‌آموزان نباشد. همچنین از آنجایی که پرسش‌نامه‌های به‌کار برده شده در این پژوهش از نوع خود سنجی است، داده‌های حاصل از این پرسش‌نامه‌ها ممکن است تا اندازه‌ای تحت تأثیر عوامل انسانی قرار گرفته باشد. با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق پیشنهاد می‌گردد رابطه بین متغیرهای این تحقیق در میان دانش‌آموزان دیگر مناطق کشور نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین تأثیر سایر متغیرهای عاطفی و شناختی به جز هوش

تفکر انتقادی و هوش هیجانی به میان آمده از یک طرف و تحقیقاتی که رابطه معناداری بین هوش هیجانی و زبان آموزی به‌دست آورده‌اند از طرف دیگر، می‌تواند تا حدودی این نتایج را توجیه و تفسیر نماید.

برای مثال استدمن و آندرنو (2007) در تحقیقی که بر روی دانشجویان رشته مدیریت صورت پذیرفت، رابطه‌ای متقابل بین گرایش به تفکر انتقادی و هوش هیجانی به‌دست آوردند. غنی‌زاده و معافیان (2010) نیز، در مطالعات خود به رابطه مثبت و معناداری بین تفکر انتقادی و هوش هیجانی دست یافتند. مون (2008) در مطالعه‌ای با قرار دادن تفکر انتقادی در چهارچوب هوش هیجانی، به این نتیجه دست یافت که هیجان‌ات و عواطف بر فرآیند تفکر انتقادی تأثیر گذاشته و متقابلاً از آن تأثیر می‌پذیرند.

از لحاظ نظری نیز بسیاری از کسانی که در این زمینه کار تحقیقاتی انجام می‌دهند (میر، 1986؛ بروکفیلد، 1987؛ پاول، 1987)، یادگیری مؤثر و کارآمد را حاصل تعامل و کنش متقابل مقوله‌های عاطفی و عقلانی دانسته و از پیوستگی و تأثیر دو جانبه و متقابل تفکر و احساس سخن به میان آورده و آنها را دو مؤلفه جدایی‌ناپذیر تلقی کرده‌اند (نقل شده در مون، 2008).

همان‌طوری که قبلاً هم اشاره گردید، نتایج مطالعاتی که در آنها رابطه معناداری بین هوش هیجانی و ابعاد مختلف یادگیری زبان انگلیسی مطرح گردیده نیز ممکن است با یافته‌های این تحقیق هم‌خوانی داشته باشند. برای مثال یافته‌های پژوهش عمر فاروق (2014) رابطه تنگاتنگی بین هوش هیجانی دانشجویان و توانش زبانی آنان نشان داد.

پیشقدم (2009) نیز در بررسی رابطه بین هوش هیجانی و دست یافت زبان انگلیسی با بخش‌های مختلف آزمون زبان انگلیسی اعم از بخش لغات، درک مطلب، دستور زبان و نگارش رابطه معناداری پیدا کرد. یافته‌های تحقیق مطلب‌زاده (2009) که حاکی از وجود رابطه معنادار و تنگاتنگی بین هوش هیجانی و توانایی زبانی دانش‌آموزان بود، با نتایج این تحقیق می‌تواند هم‌خوانی داشته باشد. نتایج مطالعات رکنی و همکاران (2014) که از وجود رابطه‌ای مثبت و تنگاتنگ بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی دانشجویان در زبان انگلیسی حکایت داشت، با یافته‌های این پژوهش هم‌خوانی دارد.

- Fundamental and Applied Life Sciences, ۳(۴), ۱۸۹-۱۹۵.
- [۴] Alston, K. (۲۰۰۱). Re/thinking critical thinking: The seductions of everyday life. *Studies in Philosophy and Education*, ۲۰(۱), ۲۷-۴۰.
- [۵] Badakhshan, S. (۲۰۱۲). Relationship between emotional intelligence and listening comprehension of Iranian intermediate EFL learners. *Iranian EFL journal*, ۸(۶), ۱۲۷-۱۴۴.
- [۶] Bakhshipour, A., Zarean, M. & Assadollahpour, A. (۲۰۰۹). Psychometric properties of modified Schutte Emotional Intelligence Scale. *Journal of Psychology*, ۱۲, ۴۲۹-۴۴۴.
- [۷] Boloori, L. & Naghipoor, T. (۲۰۱۳). The relationship between critical thinking and performance of Iranian EFL learners on translation test. *International Researchers*, ۲(۲), ۱۵۶-۱۶۳.
- [۸] Esfandiari, R., & Ekradi, E. (۲۰۱۴). Relationship between Iranian EFL learners' emotional intelligence and their performance on cloze test. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. ۹۸, ۴۳۵-۴۴۴. doi: ۱۰.۱۰۱۶/j.sbspro.۲۰۱۴.۰۳.۴۳۷
- [۹] Facione, P. A. (۱۹۹۰). *Critical thinking: A statement of expert consensus for purposes of educational assessment and instruction: Executive summary .The Delphi report*. Milbrae: The California Academic Press.
- [۱۰] Facione, P.A. (۲۰۰۰). The disposition toward critical thinking character, measurement, and relationship to critical thinking skill. *Informal Logic*, ۲۰, ۶۱-۸۴.
- [۱۱] Fahim, M., & Sa'eepour, M. (۲۰۱۱). The impact of teaching critical thinking skills on reading comprehension of Iranian EFL learners. *Journal of Language Teaching and Research*, ۲(۴), ۸۶۷-۸۷۴.
- [۱۲] Fahim, M. & Komijani, A. (۲۰۱۰). Critical thinking ability, L^۲ vocabulary knowledge, and L^۲ vocabulary learning strategies. *Journal of English Studies*. ۱(۱), ۲۳-۲۸.
- [۱۳] Ennis, R. H. (۱۹۹۶). *Critical thinking*. Upper Saddle River, N. J.: Prentice Hall. Retrieved from

هیجانی و تفکر انتقادی نیز می‌تواند در یادگیری زبان انگلیسی مورد مطالعه قرار گیرد.

پی‌نوشت

- ^۱ Richards & Roger
- ^۲ Liaw
- ^۳ Critical Thinking
- ^۴ Facione
- ^۵ Ennis
- ^۶ Halpern
- ^۷ Critical Thinking Dispositions
- ^۸ Profetto
- ^۹ American Philosophical Association
- ^{۱۰} Renner
- ^{۱۱} Kabilan
- ^{۱۲} Halverson
- ^{۱۳} Alston
- ^{۱۴} Emotional Intelligence
- ^{۱۵} Salovey & Mayer
- ^{۱۶} Ozlem
- ^{۱۷} Petrides & Furnham
- ^{۱۸} Karaman
- ^{۱۹} Umarfarooq
- ^{۲۰} Meyer
- ^{۲۱} Paul
- ^{۲۲} Brookfield
- ^{۲۳} Moon
- ^{۲۴} Ricketts
- ^{۲۵} Austin et al
- ^{۲۶} Chastain
- ^{۲۷} Horwitz & Cope
- ^{۲۸} Gliksman & Padric
- ^{۲۹} Chen

مراجع

1. سلطان‌القزایی، خلیل‌واکبر سلیمان‌نژاد (1387) "تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس". فصل-نامه‌های تربیت‌اسلامی، سال سوم، بهار و تابستان 1387، 181-195.
2. سیف، علی‌اکبر (1386). روان‌شناسی پیرورشینوین، روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران، نشر دوران.
- [۳] Alizade, H., Jahandar, Sh, & Khodabandehlou, M. (۲۰۱۴). A Study of the relationship between critical thinking and the learning strategies selected for listening by Iranian EFL learners at BA. Level. *Indian Journal of*

- of Applied and Basic Sciences. ۳(۹), ۱۹۵۳-۱۹۵۶.
- [۲۴] Moon, J. (۲۰۰۸). Critical thinking: An exploration of theory and practice. London and New York: Routledge. Retrieved from http://www.bookadventure.com/book_finder.aspx
- [۲۵] Motallebzadeh K. (۲۰۰۹). The relationship between the emotional intelligence of Iranian EFL learners and their reading comprehension and structural ability. *Journal of Teaching English as a Foreign Language and Literature*, ۱(۴): ۳۹-۵۵.
- [۲۶] Ozlem, A. (۲۰۰۶). Is emotional intelligence or mental intelligence more important in language learning? *Journal of applied science*, vol. ۶, Issue ۱. p. ۶۶-۷۰.
- [۲۷] Petrides, K. V., Frederickson, N., & Furnham, A. (۲۰۰۴a). Emotional intelligence. *The Psychologist*, ۱۷ (۱۰), ۵۷۴- ۵۷۷.
- [۲۸] Pishghadam, R. (۲۰۰۹a). Emotional and verbal intelligences in language learning. *Iranian Journal of Language Studies*, ۳(۱), ۴۳-۶۴.
- [۲۹] Rokni, A.J., Hamidi, H. & Gorgani, T. (۲۰۱۴). Investigating the relationship between emotional intelligence and language achievement: a case study of TEFL and non-TEFL university students. *International Journal of Language Learning and Applied Linguistics World (IJLLALW)*. ۳(۳), ۱۱۷-۱۲۷.
- [۳۰] Profetto, M. J. (۲۰۰۳). The relationship of critical thinking skills and critical thinking dispositions of baccalaureate nursing students, *Journal Advance Nurse*, ۴۳, ۵۶۹-۵۷۷.
- [۳۱] Richards, J. C, & Rogers, T. (۲۰۰۱). *Approaches and methods in language teaching*. Cambridge University Press, New York.
- [۳۲] Ricketts, J.C. (۲۰۰۳). *Critical thinking skills of selected youth leaders: The efficacy of leadership development, critical thinking dispositions, and student academic performance* (Doctoral dissertation). University of Florida, Gainesville, FL.
- [۳۳] Ricketts, J. C. & Rudd, R. D. (۲۰۰۴a). The Relationship between critical http://www.bookadventure.com/book_finder.aspx
- [۱۴] Ghanizadeh, A., & Moafian, F. (۲۰۱۰). The role of EFL teachers' emotional intelligence in their success. *ELT Journal*, ۶۴(۴), ۴۲۴-۴۳۵.
- [۱۵] Halpern, D. F. (۱۹۹۶). *Thought and knowledge: An introduction to critical thinking*, (۳rd ed.). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- [۱۶] Hashemi, R. M. & Ghanizade, A. (۲۰۱۲). Critical discourse analysis and critical thinking: An experimental study in an EFL context. *System* ۴۰.
- [۱۷] Hashemi, R. M. & Zabihi, R. (۲۰۱۲). Does critical thinking enhance EFL learners' receptive skills? *Journal of Language Teaching and Research*, ۳ (۱), ۱۷۲-۱۷۹.
- [۱۸] Halvorsen, N. (۲۰۰۵). Incorporating critical thinking skills into ESL/EFL courses. *The Internet TESL Journal XI*. Retrieved from <http://iteslj.org/Techniques/Halvorsen-CriticalThinking.html>
- [۱۹] Karaman, E. (۲۰۱۲). Turkish undergraduate students' emotional intelligence and their performance on English language test (Master's thesis). Eastern Mediterranean University. Gazimağusa, North Cyprus. Retrieved from <http://www.academians.org>
- [۲۰] Liaw, L. M. (۲۰۰۷). Content-Based Reading and Writing for Critical Thinking Skills in an EFL Context. *English Teaching and Learning*, ۳۱(۲), ۴۵-۴۸.
- [۲۱] Malmir, A. & Shoorcheh, S. (۲۰۱۲). An Investigation of the Impact of teaching Critical Thinking on the Iranian EFL Learners' Speaking Skill. *Journal of Language Teaching and Research*. ۳ (۴), ۶۰۸-۶۰۱۷.
- [۲۲] Mayer, J. D., & Salovey, P. (۱۹۹۷). What is emotional intelligence? In P. Salovey & D. Sluyter (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence: Educational implications* (pp. ۳-۳۱). New York, NY: Basic.
- [۲۳] Mohammadi, M. (۲۰۱۲). The role of emotional intelligence on English learning as a second language. *International Research Journal*

- [۳۸] Stedman, N. L. P., & Andenoro, A. C. (۲۰۰۷). Identification of relationships between emotional intelligence skill & critical thinking disposition in undergraduate leadership students. *Journal of Leadership Education*, ۶(۱), ۱۹۰-۲۰۸.
- [۳۹] Umar Farooq, M. (۲۰۱۴). Emotional intelligence and language competence: a case study of the English language learners at Taif university English language center. <http://connection.ebscohost.com/c/articles>
- [۴۰] Zarei, A. A., & Haghgoo, F. (۲۰۱۲). The relationship between critical thinking and L۲ grammatical and lexical knowledge. *English Linguistics Research*, ۱(۱).
doi: ۱۰.۵۵۳۹/elr.v۱n۱p۱۰۴
- [۴۱] Zare, M., Behgat, F., Abdollahimzadeh, j., Izadi, M. (۲۰۱۳). Critical thinking and Iranian EFL learners' listening comprehension. *International Journal of Linguistics*, ۵(۶), ۴۳-۵۸
- [۴۲] Zarezade, T. (۲۰۱۳, July). The effect of emotional intelligence in English language learning. Paper presented at the third World Conference on Psychology, Counseling and Guidance. Abstract retrieved from <http://dx.doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.sbspro.۲۰۱۳.۰۶.۷۴۵>
- thinking dispositions and critical thinking skills of selected youth leaders in the National FFA Organization. *Journal of Southern Agricultural Education Research*, ۵۴(۱), p.۲۳.
- [۳۴] Rokni, A.J., Hamidi, H. & Gorgani, T. (۲۰۱۴). Investigating the relationship between emotional intelligence and language achievement: a case study of TEFL and non-TEFL university students. *International Journal of Language Learning and Applied Linguistics World (IJLLALW)*, ۵(۳), ۱۱۷-۱۲۷.
- [۳۵] Saklofske, D. H., Austin, E. J., & Minski, P. (۲۰۰۳). Factor structure and validity of a trait emotional intelligence measure. *Personality and Individual Differences*, ۳۴, ۷۰۷-۷۲۱.
- [۳۶] Sanavi, V.R., & Tarighat, S. (۲۰۱۴). Critical thinking and speaking proficiency: A mixed-method study. *Theory and Practice in Language Studies*, ۴(۱), ۷۹-۸۷.
doi: ۱۰.۴۳۰۴/tpls.۴.۱.۷۹-۸۷
- [۳۷] Soodmand Afshar, H., & Movassagh, H. (۲۰۱۴). On the relationship among critical thinking, language learning strategy use and university achievement of Iranian English as a foreign language majors. *The Language Learning Journal*, ۱, ۱۷۵۳-۲۱۶۷.
doi: ۱۰.۱۰۸۰/۰۹۵۷۱۷۳۶.۲۰۱۴.۹۱۴۲۳۸